

بررسی تاثیر تمرکز اقتصادی بر قدرت ملی مطالعه

موردی: منطقه کلان شهر تهران

دربافت مقاله: ۸۹/۵/۴ پذیرش نهایی: ۸۹/۹/۷

صفحات: ۱۲۹-۱۰۱

^۱ سیدموسی پورموسی: استادیار گروه جغرافیای دانشگاه امام حسین(ع)

Email: mp.articles@yahoo.com

حسین محمدیان: کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

Email: geopolm@yahoo.com

محمدهدایی پوینده: دانشجوی دوره دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

Email: pooyandeh@ut.ac.ir

چکیده

قدرت ملی یک کشور، نقشی بنیادین در مباحث مربوط به جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و در نهایت تنظیم الگوی رفتاری دولت‌ها در امور داخلی و روابط بین‌الملل ایفا می‌کند، به‌همین دلیل از آغاز قرن بیست و یکم، موضوع قدرت ملی از اهمیتی بیش از پیش برخوردار شده است و بیش از گذشته مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر قرن بیست و یکم قرن شهرهای است، چرا که اکنون بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین‌اند، بر همین مبنای اغلب صاحب‌نظران علوم اجتماعی و انسانی بر این باورند که سرنوشت بشر امروز و آینده در شهرها رقم می‌خورد. شهرها که تا آینده‌ای نزدیک اکثریت مردم جهان را در خود جای خواهند داد، عرصه‌های رقابت جهانی برای جذب دانش و سرمایه شده‌اند و هریک به دنبال معروفیت در عرصه یا عرصه‌هایی از فعالیت بشر هستند تا در این رقابت وارد شوند. منطقه کلان‌شهری تهران نیز یکی از مناطق کلان‌شهری بزرگ دنیاست که قدرت اقتصادی و مالی نیز همچون قدرت سیاسی در آن متمرکز شده است، که در نتیجه رهبری اقتصاد ملی در تهران متمرکز شده و تمرکز اقتصادی با تمرکز سیاسی - اداری و تمرکز جمعیتی و خدمات اجتماعی همنوا و همراه گردیده است. در این تحقیق که از نوع توصیفی-

۱. نویسنده مسئول: تهران، خیابان جلال آلمحمد، رویروی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، پلاک ۱۱،

تحلیلی می‌باشد با بررسی و استفاده از برخی شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی به تبیین نقش اقتصادی منطقه کلان شهر تهران در قدرت ملی پرداخته می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که احتمالاً نقش اقتصادی منطقه کلان شهر تهران در قدرت ملی دارای کارکرد منفی است.

کلید واژگان: قدرت ملی، منطقه کلان شهر تهران، تمرکز اقتصادی، رقابت جهانی، شاخص‌های اقتصادی

مقدمه

قرن بیست و یکم قرن شهرهای است، چرا که اکنون بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین‌اند. همگام با تسریع رشد شهرنشینی، فرایند جهانی شدن نیز شتابی فزاینده یافته و شهرها، این کانون‌های اصلی اجتماعی و اقتصادی دنیا، از طریق فناوری پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطاتی، بیشتر و شتاب‌زده‌تر از پیش با هم مرتبط گشته‌اند. در این شرایط، کیفیت فضای شهرها، چه از لحاظ جذب سرمایه و گردش‌گر و چه از لحاظ حفاظت محیط زیست و چه از لحاظ بهبود کیفیت زندگی شهروندان نقش قابل ملاحظه‌ای در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ملل خواهد داشت (مدنی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۵). آنچه مسلم است توسعه شهر از عملکرد اقتصادی حاکم بر آن تأثیرمی‌پذیرد این عملکرد ناشی از امکانات مساعد ناحیه‌ای و روزتاهای پیرامونی آن است از جمله، عملکرد مرکزیت مکانی، نقش اقتصادی غالب (نظیر نقش‌های حمل و نقلی، صنعتی و کارخانه‌ای، خدماتی، توریستی، عمده‌فروشی، معدنی، نظامی، فرهنگی و درمانی) و میزان تخصص در آن، نقش شهر را در اقتصاد ملی و منطقه‌ای تعیین می‌کند. پایه اصلی مطالعات شهرسازی و طراحی شهری، مطالعه پایه اقتصادی شهر است که براساس آن، اشتغال، جمعیت، درآمد و نهایتاً میزان نیاز به فضا مشخص می‌شود (شیعه، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶).

در چند دهه اخیر شهرها با سرعت زیادی گسترش یافته و به شهرهای بزرگ تبدیل شده‌اند. این گسترش در مورد کشورهای توسعه‌نیافرته حادتر است. در این میان، رشد سریع شهرنشینی در دنیا در همه شهرها به طور متعادل صورت نگرفته است. بلکه عمدتاً شامل شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها بوده است (نظریان، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹). به عبارت دیگر کانون سیاسی (پایتخت)، مرکز جاذبه و نفوذ یک فضای جغرافیایی است که در بردارنده عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی می‌باشد. در واقع کانون سیاسی مرکزیت جغرافیایی، هندسی و یا کارکردی یک فضای جغرافیایی است که از یک سو نیروهای

انگیزشی مستتر در آن، عناصر و عوامل انسانی، کالبدی فضا و جریانات و شبکه‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و از دیگر سو، نقطه مرکزی برای پخش پدیده‌ها، فرمان‌ها و اعمال اراده سیاسی در اقصی نقاط فضای مذکور بهشمار می‌رود (حافظنی، ۱۳۸۱: ص ۲۸۲).

در ایران نیز با توجه به نظام متمرکز موجود، کلانشهر تهران به عنوان پایتخت، مرکز تجمع بخش زیادی از امکانات کشور است. به عبارت دیگر با توجه به اینکه ساختار کلی نظام سیاسی در ایران در قالب حکومتی بسیط و تکساخت می‌باشد (همان: ص ۲۶۲) و در حکومت تکساخت، دولت مرکزی کلیه مدیریت‌های محلی را تحت نظارت خود دارد و میزان قدرت آن‌ها را تعیین می‌کند (میرحیدر، ۱۳۸۵: ص ۱۴۸)، بهمین دلیل تمرکزگرایی قدرت سیاسی و اجرایی به شکلی است که قدرت سیاسی در کانون نظام سیاسی متمرکز شده است و واحدهای جغرافیایی فاقد قدرت سیاسی و اجرایی هستند. در واقع، به دلیل تک ساخت بودن حکومت از یک سو و متمرکز بودن بعد سازمانی و اداری آن از سوی دیگر، قدرت سیاسی، اجرایی در فضای جغرافیایی کشور توزیع نمی‌شود (حافظنی، ۱۳۷۹: ص ۲۷۹). از آنجایی که تمرکز مشکل بنیادی در اداره کشور محسوب می‌شود، پرداختن به آن از اهمیت ویژای برخوردار است. نظام‌های متمرکز عمدتاً به جای تولید ثروت در مصرف منابع کوشش کرده و منابع ملی را به دلیل بوروکراسی شدید به هدر می‌دهند (قالیباف، ۱۳۸۴: ص ۱۴۱).

این تحقیق در صدد است با توجه به تعدد شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی، و همچنین شاخص‌های اقتصاد شهری، برخی از شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی را در منطقه کلان شهر که شامل ارزش افزوده بخش صنعت، ارزش افزوده بخش خدمات، درآمد مالیاتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مقایسه با کل کشور می‌شود را با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی، مورد تحلیل قرار داده و نقش اقتصادی منطقه کلان شهر تهران در قدرت ملی کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، توصیفی- تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات شامل: بهره‌گیری از منابع آماری: (آمارهای توصیفی، نتایج سرشماری نفوس و مسکن)، کتب، مقالات و گزارش‌های پژوهشی می‌باشد. آمار و اطلاعات این تحقیق از منابع کتابخانه‌ای شامل: کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و نشریات علمی پژوهشی، سایت‌های معتبر اینترنتی و همچنین از مراکز معتبر علمی شامل مرکز آمار ایران و بانک مرکزی گردآوری شده است. هدف از این تحقیق این است

که با استفاده از شاخص‌های اقتصادی که یکی از عناصر مؤثر در قدرت ملی است، نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهری تهران را در قدرت ملی مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

مبانی نظری

با آنکه مفهوم قدرت در مرکز تمام تحلیل‌های قرار دارد که در عالم سیاست انجام می‌گیرد و نیز چنان که هانس مورگنتا می‌گوید، همه سیاست‌ها تلاشی برای کسب قدرت است، اما، مفهوم قدرت هنوز یکی از بحث انگیزترین مفاهیم در حوزه جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و سایر رشته‌های مرتبط با مبحث قدرت است، بهنحوی که در مورد مفهوم و تعریف قدرت دیدگاه‌های گوناگون و نظرات متعددی وجود دارد؛ گاهی آن را طوری به کار می‌برند که گویی ریشه در روان‌شناسی دارد و گاهی آن را مشخصه‌ای در قلمروهای سیاسی، اقتصادی و نظامی محسوب می‌کنند. همچنین، بسیاری آن را مرتبط با مفاهیم نفوذ، اجبار و کنترل می‌دانند. با توجه به این تنوع گسترده موارد کاربرد، چنین به نظر می‌رسد که به تعداد نظریه‌ها، مفاهیم مختلف درباره قدرت وجود دارد (Tellis & Others. 2000: p۱۲).

قدرت اساساً به توان و استعداد انسان برای انجام کاری که مطلوب اöst اطلاق می‌شود. در واقع می‌توان گفت که قدرت عبارت است از توانایی و استعداد فرد برای انجام کار و اعمال اراده بر افراد دیگر به منظور ایجاد رفتار مطلوب. قدرت را جوهر سیاست دانسته‌اند زیرا به سیاستمدار و رهبر سیاسی توانایی تولید نتایج مورد نظرش را می‌دهد. قدرت موضوع نزاع و رقابت‌های سیاسی نیز می‌باشد و هدف نیروها و حرکت‌های سیاسی واحزاد و رهبران اجتماعی در تکاپوی سیاسی آنها، کسب اهم‌ها و بیانگاه‌های قدرت است، تا بتوانند مطابق میل و اراده خود و یا بر اساس سیستم و نظام ارزشی مورد نظر خود فرمان برانند و منافع خود و هوادارانشان را تأمین نموده و اسباب حفظ قدرت را نیز فراهم آورند، و رقبای خود اعم از افراد، گروه‌ها و دولتها را از صحنه بیرون نمایند (حافظنیا، ۱۳۸۲: ص ۵۸).

از سوی دیگر قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود که از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود. به عبارت دیگر قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، یک ویژگی و صفت جمعی افراد را منعکس می‌نماید و هم زمان به عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۴۶). در مجموع در تعریف قدرت ملی می‌توان گفت قدرت ملی عبارت است از: ظرفیت یک کشور در پیگیری اهداف کاربردی با اقدامات عمدی. این نگرش به قدرت ملی، دو بعد مجزا ولی مربوط به هم ظرفیت را نشان می‌دهد. یکی از این دو بعد، ظرفیت خارجی است

که شامل ظرفیت یک کشور در تاثیر گذاشتن بر محیط بین‌المللی از طریق پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی است و بعد دیگر، بعد داخلی است که شامل ظرفیت یک کشور در تبدیل منابع جامعه به «دانش قابل احرازی» است که بهترین فناوری نظامی و غیرنظامی ممکن را تولید می‌کند (تلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ص ۵۶).

در قلمرو داخلی از قدرت برای قانون‌گذاری، ضابطه‌گذاری، تنظیم امور و روابط اجتماعی، واجرای قانون و عدالت اجتماعی و تامین امنیت عمومی از طریق نهادهای سازمان یافته ذیربسط نظیر نهادهای قانون‌گذاری، قضائی، امنیتی، انتظامی، تبلیغاتی وغیره استفاده می‌شود. در قلمرو خارجی نیز برای حفاظت از منافع ملی، تامین نیازهای ملی از مبادی فرآکشوری، تامین امنیت ملی، رفع تهدیدات فرامرزی، تقویت اعتبار و پرستیز ملی وغیره، از قدرت ملی استفاده می‌شود(حافظنیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۶).

در مجموع برای تعیین و محاسبه قدرت ملی، عناصر متعددی وجود دارند که متخصصان رشته‌های مختلف همچون چغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در خصوص آن الگوهایی را ارائه کرده‌اند. مورگنتا، اسپاکمن، فیشر، ارکانسکی، کوهن، گلاسنر، ماهان و حافظنیا، از جمله متخصصانی هستند که در این خصوص الگوهایی را مطرح کرده‌اند (اعظمی، ۱۳۸۳: ص ۴۴). عناصر اقتصادی از جمله عناصر و مولفه‌هایی هستند که به عنوان عناصر اصلی قدرت ملی لحاظ می‌شوند.

مفهوم دیگری که در اینجا باید به آن پرداخت منطقه کلان‌شهری^۱ است. در واقع این منطقه، منطقه‌ای متمرکز و مترکم از سکونتگاه‌های انسانی، مشتمل بر یک شهر مرکزی به همراه سکونتگاه‌های حومه‌ای است که این سکونتگاه‌ها و شهر مرکزی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی واستگی متقابل به یکدیگر دارند. با بررسی متون تحقیقی در حوزه تعاریف و مفاهیم منطقه کلان‌شهری مشخص می‌شود که تمرکز جمعیت، ثروت و تخصص وجه تمایز شهرهای بزرگ با سایر شهرها در واحد ملی است. همچنین پایگاه‌های اقتصادی گوناگون، گروههای مردم و شیوه‌های مختلف زندگی و طبقات اجتماعی ناهمگن، شکل خاصی به مادر شهرها می‌بخشد که این ناهمگنی در دیگر شهرها کمتر دیده می‌شود. نگارندگان با توجه به مطالب فوق کلان‌شهر را شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون می‌داند که در کشور ما علاوه بر تهران شهرهای مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و کرج نیز کلان‌شهر به شمار می‌آیند. در متون پژوهشی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مادر شهر جهانی در کشورهای پیشرفته، کلان‌شهرهای سیاسی

^۱. Metropolitan Area

(پایتخت دولت‌های ملی) و شهرهای بزرگ در مراکز منطقه‌ای، تجاری و اقتصادی کلان‌شهر شناخته می‌شوند که در بیشتر موارد این مفهوم بر هم منطبق است.

جمعیت بسیار بالای یک یا چند کلان‌شهر در یک پهنه بزرگ ملی ممکن است در ما این تصور را به وجود آورد که با یک کشور کاملاً شهری روبه‌رو هستیم، در حالی که سایر نقاط آن پهنه کاملاً روستایی باشند. بسیاری از کشورهای جهان سوم در حال حاضر چنین وضعیتی را نشان می‌دهند که خود سبب بالا رفتن هر چه بیشتر تفاوت‌ها و اختلاف‌های اجتماعی نیز می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۳: ص ۱۲۴-۱۲۱).

شهر تهران در چهار دهه اخیر شاهد دگرگونی‌های متنوع و متعددی در عرصه‌های مختلف جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. دامنه این تحولات و دگرگونی‌ها به گستره فیزیکی شهر محدود نبوده و با ایجاد حوزه عملکردی بسیار فراتر از محدوده‌های جغرافیایی آن، سطح وسیعی از مناطق شهری و روستایی پیرامونی اش را نیز تحت تاثیر قرار داده است. چنین رشد و گسترشی، در مراحل اولیه خود مخصوصاً فرصت‌های منحصر به فردی برای توسعه کشور بود، اما به تدریج مسائل و مشکلاتی پدید آمد، که جز با چاره‌اندیشی در مقیاس فراشهری برطرف نمی‌شد. از آن هنگام، شهر تهران به همراه مجتمع‌های زیستی و مراکز فعالیت و خدمات پیرامون آن مورد توجه قرار گرفت و اصطلاحاتی نظیر تهران بزرگ، منطقه کلان‌شهری تهران و مجموعه شهری تهران رواج یافت.

به کارگرفتن هر یک از این اصطلاحات، بر تغییرات گسترده منطقه شهری تهران دلالت دارد و بر لزوم اتخاذ نگرشی "یکپارچه" در عرصه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت تأکید می‌کند. با این حال وسعت دایره این مفاهیم و واژگان، برداشت‌های متفاوت و تعابیر مختلف جغرافیایی و مکانی از آن‌ها را سبب می‌شود. از این رو ارائه تعریف دقیقی از محدوده موردن مطالعه و شناخت ویژگی‌ها و مسائل اصلی آن برای تبیین نقش اقتصادی منطقه کلان شهر تهران ضروری است.

هیئت وزیران در تصویب‌نامه ۵/۳/۸۲ کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه شهری تهران را به تصویب رساند. پس از آن هیئت وزیران با در نظر گرفتن نظرات مجلس در تصویب‌نامه ۲/۳/۸۳ ضمن حفظ استقلال واحدهای تقسیمات کشوری و مسئولیت‌ها و اختیارات مراجع ذیربطری آن، خطمشی و سیاست‌های کلی طرح مجموعه شهری تهران را به تصویب رساند. در این مصوبه، با توجه به نظر رئیس مجلس، عبارت "مجموعه شهری تهران" به "منطقه عمومی تهران" تغییر نام داد و شهرهای واقع در شهرستان‌های تهران، دماوند، ری، شمیرانات، کرج، ورامین، اسلام‌شهر، ساوجبلاغ، شهریار، رباط کریم، پاکدشت و نظرآباد در آن قرار گرفت (هیئت وزیران، ۱۳۸۳). قلمرو این منطقه شامل شهرهای کل استان تهران به جز

شهرستان فیروزکوه است که به واسطه فقدان ارتباط با مجموعه شهری تهران و کمبود تعداد کانون‌های جمعیتی از آن حذف گردیده است. بر همین اساس محدوده مورد مطالعه تحقیق حاضر نیز منطقه عمومی تهران (یا مجموعه شهری تهران) درنظر گرفته می‌شود. این محدوده در حال حاضر ۱۳ شهرستان، ۳۵ بخش، ۵۱۱ شهر، ۸۰ دهستان را شامل می‌شود (مرکزآمار ایران، آمارنامه استان تهران، ۱۳۸۵) که در تحقیق حاضر منطقه کلان شهر تهران نامیده می‌شود.

یافته‌های تحقیق

تهران ظرف دو قرن اخیر از شهرکی کوچک با ۱۵ هزار جمعیت به یکی از شهرهای بزرگ جهان تبدیل شده است. موقعیت راهبردی تهران بر سر راه مسیرهای اصلی بازرگانی و نیز موقعیت نمادین آن در دامنه بلندترین دامنه کوهستان کشور، تهران را همچون سلف خود، ری، به نقطه کانونی در کشوری پهناور بدل ساخته است (مدنی‌پور، ۱۳۸۱:ص ۴۰).

تهران امروز نقش هسته سیاسی، اقتصادی و ملی را به عهده دارد (میرحیدر، ۱۳۸۵:ص ۱۳۶) که قدرت سیاسی-اداری کشور در قالب سیستم سیاسی بسیط آن در تهران به‌شکل یکپارچه و متمرکز درآمده است؛ قدرت اقتصادی و مالی نیز همچون قدرت سیاسی در تهران متمرکز شده است؛ تمرکز شبکه‌های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و عملیات مربوط به آنها، بیمه، بازار، کمپانی‌ها، دفترهای شرکت‌ها و کارخانجات کشور و تجارت بزرگ ملی و بین‌المللی در تهران سبب شده است رهبری اقتصاد ملی در تهران متمرکز شود و تمرکز اقتصادی و پولی با تمرکز سیاسی-اداری و تمرکز جمعیتی و خدمات اجتماعی هم‌نوا و همراه گردد. قدرت علمی، فنی و تکنولوژیک نیز در قالب دانشگاه‌های عمدۀ، مراکز تحقیقاتی، کتابخانه‌ها، امکانات علمی، دانشمندان، فن‌آوران و کادرهای عالی متخصص در تهران استقرار یافته است (حافظ نیا، ۱۳۸۱:ص ۲۹۲).

در این مقاله با توجه به تعداد شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی، و همچنین شاخص‌های اقتصاد شهری، برخی از شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی را در منطقه کلان شهر که شامل ارزش افزوده بخش صنعت، خدمات، درآمد مالیاتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مقایسه با کل کشور می‌شود با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی، مورد تحلیل قرار داده و نقش اقتصادی منطقه کلان شهر تهران در قدرت ملی کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم. لازم به ذکر است که مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «تبیین نقش اقتصادی منطقه کلان شهری تهران در قدرت ملی» می‌باشد، آمار و اطلاعات

اقتصادی ارائه شده در این پژوهش آخرین آمار اقتصادی کشور می‌باشد که به صورت رسمی از سوی مراکز آماری معتبر کشور تا پایان سال ۱۳۸۵ ارائه شده است.

بررسی شاخص‌های اقتصادی قدرت ملی در کلان‌شهر تهران

در این بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهرتهران در ارزش افزوده^۱ بخش صنعت و مقایسه با کل کشور مورد بررسی قرار گرفته است. فعالیت‌های صنعتی به کلیه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که باعث تغییر فیزیکی یا شیمیایی مواد و اجسام مختلف گردیده و نهایتاً منجر به تولید محصولات جدید می‌شوند. روش یا تکنولوژی مورد استفاده در ایجاد تغییرات در مواد و تولید محصولات جدید اعم است از دستی و ماشینی، کارخانه‌ای یا در منزل یا در هر محل دیگر به منظور فروش و یا جهت مصارف شخصی. فعالیت‌های معدنی شامل استخراج معدن تحت‌الارضی و سطح‌الارضی و عمل‌آوری و آماده‌سازی (نظیر: الک کردن، شستن، خرد کردن، گلوله کردن، و بالا بردن عیار) مواد معدنی طبیعی می‌باشد. منطقه کلان‌شهرتهران که قلمرو آن شامل شهرهای کل استان تهران به جز شهرستان فیروزکوه است،^۲ به عنوان مهم‌ترین قطب صنعتی کشور می‌باشد که حاکی از تمرکز بالای صنعت کشور در تهران است. طبق آمارها در سال ۱۳۸۵ تهران همچنان مهم‌ترین قطب صنعتی کشور بوده و ۳۴,۰۸ درصد کارگاه‌های صنعتی، ۲۹,۸۴ درصد ارزش افزوده و ۳۳,۸ درصد شاغلان بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است.

در کنار آن صنعت، مسکن و مستغلات و فعالیت‌های مرتبط با عمده‌فروشی، خرد و فروشی، تعمیر وسائل نقلیه و کالاهای جزء پنج فعالیت اقتصادی عمده ایجاد‌کننده ارزش افزوده بوده‌اند. در حال حاضر ۱۷ شهرک صنعتی فعال، ۳ شهرک صنعتی در دست احداث، ۸ شهرک صنعتی در دست طراحی، ۲ شهرک در دست مطالعه در سطح منطقه موجود بوده که علاوه بر

۱. ارزش افزوده (Value Added): ارزش ستاده منهای ارزش مصرف واسطه، ارزش افزوده نامیده می‌شود ارزش افزوده را می‌توان معیار سنجش مشارکت تولیدکنندگان منفرد صنعت یا بخش در تولید ناخالص داخلی محسوب نمود (بنابر مرکزی، مفاهیم، تعاریف و روش‌ها)، <http://www.cbi.ir/simplelist/4509.aspx>

۲. فیروزکوه به واسطه فقدان ارتباط با مجموعه شهری تهران و کمبود تعداد کانون‌های جمعیتی از آن حذف گردیده است.

آن ایجاد ۴ شهرک صنعتی جدید نیز در حال بررسی است. بر طبق اطلاعات جدول شماره ۱ مشاهده می‌گردد که در سال ۱۳۸۵، ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی با سهم ۸۱ درصدی از ارزش افزوده ایجاد شده در این رشتہ بالاترین سهم و تمرکز را به خود اختصاص داده است. در رده‌های بعدی ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر با ۷۳ درصد، انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده با ۷۰ درصد، ساخت پوشاسک، عمل آوری و رنگ‌کردن خز با ۴۹ درصد و ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه و وسایل ارتباطی با ۴۸ درصد مقام‌های دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند که قابل تأمل و توجه می‌باشد و حاکی از تمرکز بالای این رشتہ فعالیت‌ها در تهران می‌باشد.

رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش صنعت به تفکیک منطقه کلان‌شهر تهران و استان‌های کشور نشان می‌دهد که منطقه کلان‌شهر تهران بر اساس جدول شماره ۱ و طبق آمارهای سال ۱۳۸۵ به تنهایی ۲۶/۷ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است. در حالی که استان‌های اصفهان، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد، با مجموع ۳۲/۶ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت کل کشور بعد از تهران به ترتیب رتبه دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده است که در مجموع سهم این استان‌ها از ارزش افزوده بخش صنعت به همراه منطقه کلان‌شهر تهران برابر است با ۵۹/۴ درصد و بقیه کشور ۴۰/۶ درصد را دارا می‌باشند. به عبارت دیگر بیش از ۵۰ درصد تمرکز فعالیت‌های بخش صنعت کشور در منطقه کلان‌شهر تهران و سه استان اصفهان، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد بوده است. جدول شماره ۱ همچنین بیانگر عدم تعادل فضایی توزیع بخش صنعت در کشور می‌باشد به نحوی که منطقه کلان‌شهر تهران با رتبه یک نسبت به دومین رتبه یعنی استان اصفهان حدود دو برابر صنعتی تر بوده و نسبت به سومین رتبه سه برابر و حدود ۱۳ برابر تولید ارزش افزوده رتبه دهم را به خود اختصاص داده است.

از نظر تعداد کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر شاغل و بیشتر و تعداد شاغلان این کارگاه‌ها، منطقه کلان‌شهری تهران با ۳۹۸۷ کارگاه با سهم ۲۵/۱۱ درصدی از کل کشور و ۳۲۶۸۷۷ نفر شاغل با سهم ۶۴/۲۹ درصد در رتبه اول و استان اصفهان با ۲۱۵۹ کارگاه با سهم ۱۳/۶۰ درصد از کل کشور و ۱۲۹۵۵۹ نفر شاغل با سهم ۱۱/۷۵ درصد در رتبه دوم و استان ایلام با تعداد ۳۲ کارگاه صنعتی دارای رتبه آخر است، همان‌گونه که از آمارهای تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر شاغل و بیشتر و تعداد شاغلان این بخش با سهم بسیار زیادی که از کل کشور دارند بیانگر این مطلب است که تهران و اصفهان از نظر ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی در رتبه اول و دوم بوده‌اند. یکی از دلایل پائین بودن نرخ بیکاری در مناطق یاد شده

جدول (۱) ارزش افزوده بخش صنعت و زیربخش‌های آن در منطقه کلانشهری تهران و کل کشور در سال ۱۳۸۵ (مأخذ: حساب‌های ملی و منطقه‌ای - مرکز آمار ایران (۱۳۸۵))

| شرح فعالیت‌ها | کل کشور | تهران | سهم تهران |
|--|-------------|------------|-----------|
| صنعت | 307,145,451 | 82,167,924 | 26.75% |
| ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها | 38,345,776 | 8,435,189 | 22.00% |
| ساخت محصولات از نوون و تنبکو | 922,320 | 222,436 | 24.12% |
| ساخت منسوجات | 17,861,985 | 1,789,234 | 10.02% |
| ساخت پوشک، عمل‌آوری و رنگ کردن خر | 2,513,480 | 1,237,569 | 49.24% |
| دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی | 1,867,630 | 756,781 | 40.52% |
| ساخت چوب و محصولات چوبی | 4,585,512 | 796,092 | 17.36% |
| ساخت کاغذ و محصولات کاغذی | 2,474,160 | 939,083 | 37.96% |
| انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده | 1,855,199 | 1,295,290 | 69.82% |
| ساخت کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای | 28,560,807 | 6,395,185 | 22.39% |
| ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی | 36,122,737 | 4,563,775 | 12.63% |
| ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک | 8,148,977 | 2,579,371 | 31.65% |
| ساخت سایر محصولات کائی غیرفلزی | 26,555,461 | 4,340,050 | 16.34% |
| ساخت فلزات اساسی | 43,216,949 | 2,500,176 | 5.79% |
| ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات | 16,959,469 | 5,885,205 | 34.70% |
| ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر | 16,639,083 | 5,860,071 | 35.22% |
| ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی | 295,042 | 237,681 | 80.56% |
| ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر | 8,071,107 | 2,522,043 | 31.25% |
| ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسائل ارتباطی | 1,241,507 | 596,920 | 48.08% |
| ساخت ابزار برشکی، ابزار ابتكاری، ابزار دقیق و انواع ساعت | 1,386,384 | 444,949 | 32.09% |
| ساخت وسائل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر | 35,203,189 | 25,754,526 | 73.16% |
| ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل | 4,442,400 | 748,974 | 16.86% |
| ساخت مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر | 9,595,656 | 4,138,177 | 43.13% |
| باز یافت | 280,618 | 129,149 | 46.02% |

نسبت به سایر استان‌های کشور، سهم بالای صنعت این مناطق نسبت به سایر مناطق کشور است.

جدول (۲) رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش صنعت به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور

| استان | مرکزی | همدان | زمانی | کرمان | فارس | آذربایجان شرقی | آذربایجان غربی | گلستان | بلوچستان | سیستان و بلوچستان | قم | سمنان | استان | رتبه | سهم ارزش افزوده | سهم ارزش افزوده | استان | رتبه | سهم ارزش افزوده | سهم ارزش افزوده |
|----------------------|---------|-------|-------|----------------|--------|----------------|----------------|----------|----------|-------------------|----|-------|-------|------|-----------------|-----------------|-------|--------------------|-----------------|-----------------|
| منطقه کلانشهری تهران | ۲۶۵,۷۶ | ۲۶,۸ | ۱ | ایلام | ۱۸,۷۹۳ | ۱.۹ | ۱۱ | سمنان | ۵,۹۳۵ | ۰.۶ | ۲۱ | ۵,۹۳۵ | ۰.۶ | ۲۲ | ۵,۹۳۵ | ۰.۶ | ۲۳ | لرستان | ۱.۴ | ۱۳,۸۴۷ |
| اصفهان | ۱۴۵,۳۹۶ | ۱۴.۷ | ۲ | زید | ۱۶,۸۱۵ | ۱.۷ | ۱۲ | قم | | | ۲۴ | ۴,۹۴۵ | ۰.۵ | ۲۵ | ۳,۹۵۶ | ۰.۴ | ۲۶ | ارdestan | ۱.۲ | ۱۱,۸۶۹ |
| خوزستان | ۹۴,۹۵۳ | ۹.۶ | ۳ | قزوین | | | | | | | ۲۷ | ۲,۹۶۷ | ۰.۳ | ۲۸ | ۲,۹۶۷ | ۰.۳ | ۲۹ | خراسان شمالی | ۰.۹ | ۸,۹۰۲ |
| کهکلوبه و بویراحمد | ۸۲,۰۹۴ | ۸.۳ | ۴ | مزندران | ۱۳,۸۴۷ | ۱.۴ | ۱۴ | بلوچستان | ۵,۹۳۵ | ۰.۶ | ۳۰ | ۱,۹۷۸ | ۰.۲ | ۳۱ | ۱,۹۷۸ | ۰.۲ | ۳۲ | گلستان | ۱.۴ | ۱۳,۸۴۷ |
| بوشهر | ۳۱,۶۵۱ | ۳.۲ | ۵ | گیلان | | | | | | | ۳۳ | ۲,۹۶۷ | ۰.۳ | ۳۴ | ۲,۹۶۷ | ۰.۳ | ۳۵ | زنجان | ۱.۰ | ۹,۸۹۱ |
| خراسان رضوی | ۲۷,۶۹۴ | ۲.۸ | ۶ | همزگان | | | | | | | ۳۶ | ۲,۹۶۷ | ۰.۳ | ۳۷ | ۲,۹۶۷ | ۰.۳ | ۳۸ | چار محال و بختیاری | ۰.۹ | ۸,۹۰۲ |
| آذربایجان شرقی | ۲۶,۷۰۵ | ۲.۷ | ۷ | آذربایجان غربی | | | | | | | ۳۹ | ۶,۹۲۴ | ۰.۷ | ۴۰ | ۶,۹۲۴ | ۰.۷ | ۴۱ | خراسان جنوبی | ۰.۸ | ۷,۹۱۳ |
| کرمان | ۲۴,۷۲۷ | ۲.۵ | ۹ | کرمانشاه | | | | | | | ۴۲ | ۶,۹۲۴ | ۰.۷ | ۴۳ | ۶,۹۲۴ | ۰.۷ | ۴۴ | زنجان | ۰.۷ | ۶,۹۲۴ |
| مرکزی | ۲۳,۷۳۸ | ۲.۴ | ۱۰ | همدان | | | | | | | ۴۵ | ۱,۹۷۸ | ۰.۲ | ۴۶ | ۱,۹۷۸ | ۰.۲ | ۴۷ | اردبیل | ۱.۰ | ۹,۸۹۱ |

مأخذ (مرکز آمار ایران، حساب‌های منطقه‌ای، ۱۳۸۵)

بررسی جایگاه منطقه کلانشهری تهران در ارزش افزوده بخش خدمات و مقایسه آن با کل کشور نشان می‌دهد که خدمات دارای موجودیت مستقلی نیستند که امکان ایجاد حق مالکیت برآن‌ها وجود داشته باشد. خرید و فروش خدمات از تولید آن‌ها جدا نیست و این دو فرآیند همزمان صورت می‌گیرد. خدمات، سtanدهای ناهمگنی را که تولید آن‌ها براساس سفارش انجام می‌گیرد و نیز تغییراتی را که توسط تولیدکنندگان بر اساس تقاضای مصرف‌کنندگان در وضعیت واحدهای مورد مصرف داده می‌شود در بر می‌گیرند. زمانی که تولید خدمات به پایان می‌رسد باید به مصرف‌کنندگان ارائه شود.

تولید خدمات باید فقط محدود به فعالیت‌هایی باشد که قابلیت ارائه به واحد دیگر را داشته باشد، در غیر این صورت رشتۀ فعالیت‌های خدمات نمی‌توانند توسعه یابند و بازاری برای آن‌ها

وجود نخواهد داشت. همچنین هر واحدی می‌تواند برای مصرف خود خدماتی را تولید کند به شرطی که نوع فعالیت طوری باشد که امکان انجام آن توسط واحد دیگر وجود داشته باشد.

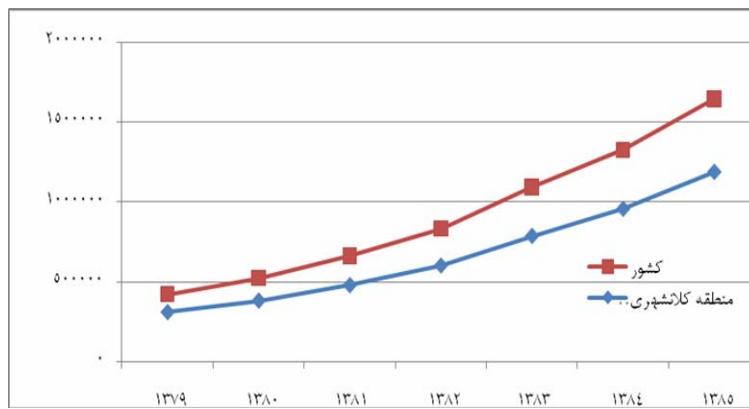
بررسی ارزش افزوده بخش خدمات منطقه کلان شهر تهران نیز بیانگر روند رو به افزایش آن در طول دوره ۱۳۷۹-۸۵ است، چنانچه کمترین مقدار به سال ۱۳۷۹ معادل ۱۱۳۷۷۵ میلیارد ریال و بیشترین مقدار به سال ۱۳۸۵ معادل ۴۶۰۶۷۴ میلیارد ریال اختصاص دارد، که نشان‌دهنده نرخ رشد متوسط ۲۶ درصد در طول دوره مورد بررسی می‌باشد. نمودار شماره ۱ بیانگر این مطلب می‌باشد. ارزش افزوده بخش خدمات منطقه کلان شهر تهران طی دوره مذکور در مقایسه با کل کشور نرخ رشد متوسط بالاتری داشته است که نشان‌دهنده افزایش سهم منطقه کلان شهر تهران از کل کشور در انتهای دوره مورد نظر نسبت به ابتدای آن است.

از طرف دیگر ارزش افزوده زیر بخش‌های بازرگانی، رستوران و هتل‌داری، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، خدمات موسسات مالی و پولی، خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی، خدمات عمومی و خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی در منطقه کلان شهر تهران هر یک به ترتیب با نرخ رشد متوسط ۲۵، ۲۴، ۳۶، ۲۸، ۲۵ و ۲۸ درصد در طول دوره ۱۳۷۹-۸۵ افزایش یافته‌اند.

در سال‌های ۱۳۷۹-۸۲ زیر بخش خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی نقش اساسی‌تری نسبت به سایر زیر بخش‌ها در ایجاد ارزش افزوده بخش خدمات در منطقه کلان شهر تهران داشته است؛ ولی در سال‌های آخر دوره مورد بررسی (۱۳۸۲-۱۳۸۵) زیربخش بازرگانی، رستوران و هتل‌داری سهم بیشتری دارد که این نکته در جدول (۳) قابل مشاهده است. در واقع در مقایسه با کل کشور، در منطقه کلان شهر تهران نیز خدمات مؤسسات مالی و پولی کمترین سهم از ارزش افزوده ایجاد شده در بخش مورد نظر را دارا می‌باشد.

در رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش خدمات به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵ نتیجه می‌گیریم که منطقه کلان شهر تهران بر اساس جدول شماره ۴ وطبق آمارهای سال ۱۳۸۵ به تنهایی ۳۸/۹ درصد از ارزش افزوده بخش خدمات کشور را به خود اختصاص داده است. در حالی که استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان و فارس، با مجموع ۲۲/۳ درصد از ارزش افزوده بخش خدمات کل کشور به ترتیب رتبه دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده است. که در مجموع سهم این استان‌ها از ارزش افزوده بخش خدمات به همراه منطقه کلان شهر تهران برابر است با ۶۱/۲ درصد و بقیه کشور ۳۹/۸ درصد را دارا می‌باشند. می‌باشند. به عبارت دیگر بیش از ۶۰ درصد تمرکز فعالیت‌های بخش خدمات کشور در منطقه کلان شهر تهران و چهار استان خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان و فارس بوده است.

قابل ذکر است که منطقه کلان شهر تهران با رتبه یک نسبت به دومین رتبه ارزش افزوده بخش خدمات یعنی استان خراسان رضوی بیش از شش برابر ارزش افزوده کل کشور را به خود اختصاص داده است که این بیانگر شدت عدم تعادل فضایی در توزیع ارزش افزوده بخش خدمات می‌باشد.



شکل (۱) نمودار روند تغییر ارزش افزوده بخش خدمات تهران و کشور طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵
مأخذ: مرکز آمار ایران، حساب‌های منطقه‌ای در اداره مختلف)

جدول (۲) ارزش افزوده زیربخش‌های خدمات منطقه کلان‌شهری تهران ۱۳۷۹-۱۳۸۵

| شرح فعالیت | 1385 | 1384 | 1383 | 1382 | 1381 | 1380 | 1379 |
|---------------------------------------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|
| بازرگانی، رستوران و هتلداری | 123,121 | 104,582 | 86,379 | 65,422 | 50,125 | 39,871 | 32,151 |
| حمل و نقل، اتیارداری و ارتباطات | 68,121 | 49,977 | 39,543 | 30,198 | 25,143 | 19,026 | 15,708 |
| خدمات موسسات مالی و پولی | 41,093 | 37,091 | 35,316 | 19,000 | 10,990 | 8,907 | 6,546 |
| خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی | 122,178 | 94,546 | 84,715 | 68,900 | 55,951 | 42,131 | 33,836 |
| خدمات عمومی | 48,022 | 39,186 | 29,677 | 24,706 | 19,871 | 14,830 | 12,475 |
| خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی | 58,139 | 45,367 | 33,125 | 24,745 | 20,620 | 17,185 | 13,059 |
| (جمع) | 460,674 | 370,748 | 308,755 | 232,971 | 182,700 | 141,951 | 113,775 |

جدول (۴) رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش خدمات به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵

| رتبه | سهم ازکشور | لرزش افزوده | استان | رتبه | سهم ازکشور | لرزش افزوده | استان | رتبه | سهم ازکشور | لرزش افزوده | استان |
|------|------------|-------------|--------------------|------|------------|-------------|-------------------|------|------------|-------------|-----------------------|
| 21 | 1.2 | 14221 | قم | 11 | 2.3 | 27258 | همزگان | 1 | 38.9 | 460674 | منطقه کلان شهری تهران |
| 22 | 1 | 14221 | بزد | 12 | 1.8 | 21332 | کرمانشاه | 2 | 6.4 | 75847 | خراسان رضوی |
| 23 | 1.1 | 13036 | اربیل | 13 | 1.7 | 20147 | مرکزی | 3 | 5.9 | 69922 | احسنه |
| 24 | 0.8 | 9481 | خراسان شمالی | 14 | 1.6 | 18962 | همدان | 4 | 5.3 | 62811 | خوزستان |
| 25 | 0.8 | 9481 | زنجان | 15 | 1.5 | 17777 | گلستان | 5 | 4.7 | 55700 | فارس |
| 26 | 0.8 | 9481 | سمانان | 16 | 1.4 | 16592 | لرستان | 6 | 3.9 | 46219 | آذربایجان شرقی |
| 27 | 0.7 | 8296 | چرامحلا و بختیاری | 17 | 1.3 | 15406 | سیستان و بلوچستان | 7 | 3.9 | 46219 | ملتبران |
| 28 | 0.6 | 7111 | خراسان جنوبی | 18 | 1.3 | 15406 | قزوین | 8 | 2.7 | 31998 | گیلان |
| 29 | 0.5 | 5926 | ایلام | 19 | 1.3 | 15406 | کردستان | 9 | 2.5 | 29628 | آذربایجان غربی |
| 30 | 0.5 | 5926 | کهکلیویه و پوراحمد | 20 | 1.2 | 14221 | پوشش | 10 | 2.3 | 27258 | كرمان |

مأخذ: (مرکز آمار ایران، حساب‌های منطقه‌ای سال ۱۳۸۵)

از بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهری تهران در درآمد مالیاتی و مقایسه آن با استان‌های کشور نتیجه می‌گیریم که اولاً مالیات عبارت است از قسمتی از درآمد یا ثروت افراد که به منظور بخشی از هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور که بهموجب قانون به وسیله دولت وصول می‌شود. به عبارت دیگر برای دوام جامعه و ارائه خدمات اجتماعی توسط دولت هر یک از افراد جامعه با توجه به توان پرداخت خود مکلفند بهای قسمتی از این خدمات را به عنوان مالیات به دولت بپردازند.

ثانیاً مالیات‌ها، پرداخت‌های اجباری و بلاعوض واحدهای نهادی به دولت است که به صورت نقدي و غير نقدي انجام می‌گيرد. اطلاق صفت بلاعوض به مالیات‌ها از اين جهت است که دولت در مقابل دریافت مالیات از يك واحد نهادی، خدمتی را به صورت فردی به آن ارائه نمی‌کند، هر

چند که با دریافت مالیات منابع مالی خود را افزایش داده و با استفاده از این منابع، کالاها و خدماتی را برای سایر واحدها اعم از تک تک افراد یا کل جامعه فراهم آورد.

درآمدهای مالیاتی در اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان، یکی از مهمترین منابع تأمین مالی دولتها به شمار رفته و به عنوان یک ابزار مؤثر جهت سیاست‌گذاری‌های مالی محسوب می‌شوند(نجارزاده، ۱۳۸۵: ص ۲۵).

امروزه کشورها همراه با رشد و توسعه به سمت صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی در حرکت هستند. شهرنشینی با تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در نواحی شهری صنعتی پایه‌های مالیاتی بزرگتری نسبت به فعالیت‌های روستایی و سنتی مبتنی بر کشاورزی، صنایع دستی و صادرات مواد اولیه ایجاد می‌کند؛ زیرا فعالیت‌های سنتی شامل کسب و کارهای با مقیاس‌های کوچک است و عمدهاً خود مصرفی (نه جای تولید تجاری) است. اگر این فعالیت‌ها دارای مازاد نیز باشند، اغلب به دلیل بهره‌وری پایین، معاف از مالیات هستند.

مع الوصف مصرف و واردات تابعی از درآمد افراد است افزایش درآمد موجب افزایش مصرف، واردات، مالیات بر واردات و مالیات بر کالاها و خدمات می‌شود. از طرفی دیگر، با توجه به افزایش تولید ملی و افزایش بازدهی و سود بالای بنگاه‌های اقتصادی، در نتیجه مالیات بر درآمد و سود شرکت‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

هر چند بالا بودن سهم بخش کشاورزی نشان دهنده ساختار سنتی است، بالا بودن نسبت شهرنشینی نشان دهنده ساختار اقتصادی پیشرفتی و مبتنی بر بخش صنعت است. به دلیل استفاده از افراد آموزش دیده و تکنولوژی پیشرفتی در تولید، بهره‌وری در اقتصاد پیشرفتی نسبت به اقتصاد سنتی بالاتر است و در نتیجه تولید، سود و دستمزدها نیز بالاتر. این برتری موجب افزایش درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم داخلی می‌شود (اکبریان: ۱۳۸۶: ص ۱۵). که نمونه آن درآمد مالیاتی تهران و مناطق توسعه‌یافته و برخوردار کشور می‌باشد جدول شماره ۵ به خوبی تصدیق کننده این مطلب می‌باشد.

رتیبه‌بندی توزیع نسبی درآمد مالیاتی به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که امروزه در تمام کشورها، مالیات نقش اساسی در تأمین مخارج دولت دارد، در اقتصاد ایران نیز درآمدهای مالیاتی یکی از مهمترین منبع تأمین کننده مخارج دولت بعد از درآمدهای نفتی می‌باشد. جدول شماره ۶ به خوبی نشان می‌دهد که به دلیل تمرکز چند بعدی از جمله قطب صنعت کشور، شبکه‌های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و عملیات مربوط به آنها، بیمه، بازار، کمپانی‌ها، دفترهای شرکت‌ها و کارخانجات کشور و تجارت بزرگ ملی و بین‌المللی در تهران بیشترین درآمد مالیاتی در این شهر عاید دولت می‌شود. به عبارت

دیگر بیش از ۵۲ درصد درآمدهای مالیاتی کشور در تهران و ۲۹ استان دیگر کمتر از ۴۸ درصد درآمد مالیاتی را دارا می‌باشند.

جدول (۵) رتبه‌بندی توزیع درآمد مالیاتی به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵

| ردیه | سهم از کشور | درآمد مالیاتی | استان | ردیه | سهم از کشور | درآمد مالیاتی | استان | ردیه | سهم از کشور | درآمد مالیاتی | استان |
|------|-------------|----------------|---------------------|------|-------------|---------------|-------------------|------|-------------|---------------|----------------------|
| 21 | 0.61 | 385,532 | کرمان | 11 | 1.66 | 1,049,020 | قزوین | 1 | 52.72 | 33,370,448 | منطقه کلانشهری تهران |
| 22 | 0.60 | 380,708 | اریل | 12 | 1.59 | 1,004,548 | آذربایجان غربی | 2 | 5.64 | 3,570,986 | اصفهان |
| 23 | 0.52 | 329,088 | ایلام | 13 | 1.54 | 974,244 | بزد | 3 | 5.57 | 3,528,033 | خوزستان |
| 24 | 0.51 | 320,019 | چارمحال و بختیاری | 14 | 1.53 | 971,109 | گیلان | 4 | 4.57 | 2,892,121 | خیلر رضوی |
| 25 | 0.33 | 211,737 | خراسان جنوبی | 15 | 1.19 | 750,691 | کرمانشاه | 5 | 3.65 | 2,308,756 | فارس |
| 26 | 0.32 | 203,862 | کهگیلویه و بویراحمد | 16 | 0.94 | 597,671 | زنگنه | 6 | 3.50 | 2,217,563 | پوشان |
| 27 | 0.32 | 201,072 | خراسان شمالی | 17 | 0.84 | 532,412 | سیستان و بلوچستان | 7 | 2.52 | 1,595,089 | کومن |
| 28 | 0.27 | 169,600 | آذربایجان شرقی | 18 | 0.84 | 531,612 | همدان | 8 | 2.40 | 1,516,695 | مازندران |
| 29 | 0.16 | 102,573 | قم | 19 | 0.82 | 517,171 | گلستان | 9 | 2.04 | 1,293,152 | همزگان |
| 30 | | آمل موجود نیست | لرستان | 20 | 0.77 | 489,018 | سمنان | 10 | 2.03 | 1,288,191 | مرکزی |

از بررسی جایگاه منطقه کلان شهری تهران در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برحسب ساختمان‌های شروع شده، نیمه تمام و تکمیل شده در نقاط شهری ۱۳۸۵ نتیجه می‌گیریم که بخش مسکن به عنوان یکی از بخش‌های عمده اقتصادی، رابطه تنگاتنگ و وسیعی با سایر بخش‌های اقتصادی کشور دارد، از تحولات سایر بخش‌ها تأثیر پذیرفت و خود نیز بر آنها اثر می‌گذارد. طی هر سال حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از سرمایه ثابت کشور در بخش مسکن ایجاد می‌شود و به طور میانگین به همین نسبت از نقدینگی کل کشور در بخش مسکن مصرف می‌گردد.

با توجه به رابطه پسین و پیشین بخش مسکن با سایر بخش‌های اقتصادی کشور رکود و رونق این بخش اثر قطعی بر رکود و رونق اقتصاد کلان کشور می‌گذارد. به طوری که مطالعات

در این زمینه نشان داده‌اند، یک واحد افزایش در ارزش افزوده بخش مسکن، تولید ناخالص داخلی را به میزان ۲/۸ واحد افزایش می‌دهد.

بازار مسکن تهران به عنوان مهم‌ترین بازار مسکن کشور، همواره نقش پیشناز در تحولات بازار مسکن سایر نقاط کشور داشته است و تغییرات در این بازار با تأخیری ۶ ماهه تا یک‌ساله در کلان شهرها و سپس در سایر نقاط شهری روی می‌دهد (عربی، ۱۳۸۹: ص ۲۰). از طرف دیگر سهم بخش مسکن از اشتغال کشور از ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - فعالیت ساختمانی بخش خصوصی در مناطق شهری کشور و حساب‌های ملی).

- رتبه‌بندی توزیع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر حسب ساختمان‌های شروع شده، نیمه تمام و تکمیل شده در نقاط شهری به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور نشان می‌دهد که از نظر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان، منطقه کلان شهری تهران و استان اصفهان به ترتیب رتبه اول و دوم در کل کشور را دارا هستند و استان خراسان جنوبی با کمترین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در رتبه آخر می‌باشد. از نظر تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در نقاط شهری برای احداث ساختمان، منطقه کلان شهری تهران و استان اصفهان با بیشترین درصد نسبت به کل کشور، رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. در زمینه تعداد پروانه‌های صادر شده بر حسب مساحت زیربنای تهران و استان اصفهان دارای رتبه اول و دوم و استان کهکیلویه و بویراحمد دارای رتبه آخر می‌باشد.

تجزیه و تحلیل

همان‌گونه که گفته شد، انحصار قدرت و تمرکز آن در پایتخت (تهران) در پرتو خصلت‌های مکانی و جغرافیایی آن و نیز نگرش، رفتار و سیاست‌های دولت‌های حاکم طی یک قرن اخیر بهشدت به تمرکز، ذخیره‌سازی و انحصار قدرت روی آورده و در تمامی ابعاد، قدرت ملی را بليعده و تصاحب کرده است. قدرت سیاسی - اداری کشور در قالب سیستم سیاسی بسیط آن در تهران به‌شکل یک‌پارچه و متمرکز در آمده است؛ این الگوی توزیع فضایی قدرت، فضاهای جغرافیایی کشور را بلاراده ساخته و از توزیع فضایی و جغرافیایی قدرت سیاسی بهشدت جلوگیری کرده است. تداوم این حالت انحصار قدرت نوعی فرهنگ و باور سیاسی را در میان عموم شکل داده است که بر اساس آن دولتمردان، سیاستمداران کادرهای عالی دولت و شهروندان تهرانی خود را صاحب قدرت سیاسی می‌دانند؛ بدین لحاظ کلیه امور ریز و درشت اقصا نقاط کشور به تهران گره خورد.

جدول (۶) رتبه‌بندی توزیع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر حسب ساختمان‌های شروع شده، نیمه‌تمام و تکمیل شده در نقاط شهری به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵

| رتبه | سهم از کشور | سرمایه‌گذاری | استان | رتبه | سهم از کشور | سرمایه‌گذاری | استان | رتبه | سهم از کشور | سرمایه‌گذاری | استان |
|------|-------------|--------------|--------------------|------|-------------|--------------|---------|------|-------------|--------------|----------------------|
| 21 | 1.1 | 1,217,676 | سمنان | 11 | 2.3 | 2,560,753 | بزد | 1 | 28.9 | 32,857,892 | منطقه کلانشهری تهران |
| 22 | 1.0 | 1,132,275 | همزگان | 12 | 1.9 | 2,187,396 | قم | 2 | 10.0 | 11,405,737 | اصفهان |
| 23 | 1.0 | 1,131,459 | بوشهر | 13 | 1.8 | 1,987,882 | قزوین | 3 | 6.8 | 7,730,463 | فارس |
| 24 | 0.9 | 1,066,616 | سیستان و بلوچستان | 14 | 1.7 | 1,886,635 | زنجان | 4 | 6.6 | 7,488,377 | خراسان رضوی |
| 25 | 0.9 | 1,032,662 | چرام محل و پختیاری | 15 | 1.6 | 1,867,936 | همدان | 5 | 5.1 | 5,766,393 | آذربایجان شرقی |
| 26 | 0.9 | 987,882 | ارزیل | 16 | 1.6 | 1,848,925 | مرکزی | 6 | 4.9 | 5,525,473 | خراسان |
| 27 | 0.9 | 971,977 | خراسان شمالی | 17 | 1.6 | 1,834,382 | کردستان | 7 | 4.4 | 5,031,433 | گیلان |
| 28 | 0.6 | 680,998 | ایلام | 18 | 1.4 | 1,583,743 | لرستان | 8 | 3.6 | 4,053,731 | ملزمان |
| 29 | 0.5 | 607,740 | کهکلویه و بویراحمد | 19 | 1.3 | 1,486,756 | گلستان | 9 | 2.6 | 2,939,713 | آذربایجان غربی |
| 30 | 0.5 | 532,322 | خراسان جنوبی | 20 | 1.1 | 1,246,537 | کردستان | 10 | 2.6 | 2,917,751 | کرمان |

با توجه به آنچه با کمک جداول و نمودارها و به صورت مشروح ذکر شد قدرت اقتصادی نیز همچون قدرت سیاسی در تهران متمرکز شده است. تمرکز قطب صنعت کشور با حدود ۲۷ درصد سهم صنعت کشور به همراه سه استان رتبه‌های دیگر حدود ۶۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین با تمرکز بخش خدمات کشور با حدود ۳۹ درصد ارزش افزوده بخش ، باز هم رتبه اول خدمات کل کشور را به خود اختصاص داده است، درآمدهای بالا در این شهر که همگی ناشی از تمرکز (سیاسی - اقتصادی) می‌باشد باعث شده است که بیش از ۵۰ درصد درآمدهای مالیاتی دولت در این شهر اخذ می‌گردد. در خصوص مسکن نیز باید اذعان داشت که سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در مسکن و کسب

رتبه نخست در این زمینه در منطقه مذکور بهدلیل رابطه نزدیکی است که این بخش با سایر بخش‌های اقتصادی کشور دارد.

نکته کلیدی در رابطه با موضوع تمرکز در تهران در واقع روند انباست سرمایه در پایتخت بوده است. بهطوری که در روند زمانی، انباست سرمایه در کل کشور به نفع پایتخت و در پایتخت به نفع شرکت‌ها، نهادها و لایه‌های اجتماعی معین جهت‌گیری کرده است. از سوی دیگر این تمرکز توأم با توسعه اقتصادی در رشد صنعتی دارای محتوای درون‌زا نبوده و برخلاف آن تمرکزی بر مبنای درآمد ارزی نفت، جابجایی ثروت و درآمد، رانت و بهره‌جویی از تسهیلات دولتی و نقدهایی است که متأسفانه در جهت رشد و توسعه اقتصادی شهر به کار گرفته شده و عمدها در جهت مصرف و امتیازات سیاسی، طبقاتی و اجتماعی و غیره عمل نموده است. اقتصاد شهر تهران به ویژه از زمان ادغام سرمایه‌داری ایران در نظام اقتصادی جهانی تا حد زیادی به تولید و صدور نفت متمرکز است. به لحاظ تاریخی تمرکز بیشتر اشکال فعالیت اقتصادی در تهران تابعی از موقعیت مسلط دولتی- اداری این شهر نسبت به بقیه گستره پهناور کشور است.

نتیجه‌گیری

کشورهای پیشرفته در جهان از دیرباز در قالب نظام فدرال با طرح‌های آمایش سرزمین سعی داشته‌اند که به شهرهای دیگر در شماری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، خدماتی، صنعتی و... مرکزیت دهند. بطور مثال در ایالات متحده آمریکا واشنگتن دی‌سی مرکز سیاسی کشور است، نیویورک مرکز اقتصادی آن، در شهر هیوستن شرکت‌های نفتی تمرکز یافته‌اند، صنعت بزرگ فیلم سازی در لس‌آنجلس قرار یافته است و لاس‌وگاس به شهر تفریح و سرگرمی تبدیل شده است، در فرانسه شهرهای لیون، مارسی و تولوز از جمله شهرهایی هستند که از بار تمرکز در پاریس کاسته‌اند. این مدل البته به کشورهای در حال توسعه تسری یافته است. به عنوان مثال، در مراکش مرکز سیاسی کشور شهر رباط است ولی مرکز اقتصادی آن کازابلانكا است. در هند نیز دهلی مرکز سیاسی کشور است و بمیئی مرکز اقتصادی آن است.

اما همانگونه که ذکر گردید ایران یکی از متوجه‌ترین نظام‌های حکومتی در جهان معاصر است که تصمیمات، قوانین، شیوه اجرا و فرایند برنامه‌ریزی برای تمام مناطق کشور با توجه به تفاوت‌های مکانی، تنوع قومی و زبانی و فرهنگی، شیوه معیشت و غیره بصورت کاملاً متمرکز است. این شیوه مدیریت سیاسی فضا در مکان به دور از مناطقی که مردم و فضا از آن متأثر می‌گردد، اتخاذ می‌گردد. در نتیجه این تصمیمات و سیاست‌ها متناسب با الگوی فضایی (نظام تقسیمات کشوری/ سازمان سیاسی فضا) نمی‌باشد. به عبارت دیگر مدیریت سیاسی فضا با توجه

به الگوی جغرافیایی ایران از تناسب برخوردار نمی‌باشد که برآیند آن ناهنجاری فضایی و افزایش هزینه‌ها، توسعه نامتوازن فضاهای، الگوی نامتوازن جمعیتی، نابرابری در فرصت‌های اقتصادی، ناهنجاری در سازمان سیاسی فضا وغیره است. تفاوت‌های فوق‌الذکر چنانچه افزایش یابد، نواحی کشور دچار نوعی ناهمگونی و در نتیجه شکاف می‌شوند.

با توجه به آمار و اطلاعات رائه شده در متن مقاله باید چنین جمع‌بندی کرد که دو عنصر پایداری و ظرفیت ایران پیوند عمیقی با پایداری و ظرفیت کلان‌شهرها و بهویژه کلان‌شهر تهران دارد به نحوی که نتیجه تراکم حجمی فعالیت‌ها در تهران ضعف پایداری و کاهش ظرفیت تحمل را نشان می‌دهد این روند چنانچه با عدم تدبیر مدیریت فضای کلان‌شهری آمیخته شود به آسیب‌هایی تبدیل خواهد شد که تهدیدات جدی در مقیاس ملی برای کشور فراهم می‌آورد از این رو بدون تأمین پایداری نهادمند و ظرفیت کافی در کلان‌شهر ملی و ارتقاء نقش کارکردی آن، نمی‌توان جایگاه مناسبی برای قدرت ملی کشور ترسیم کرد. چون منابع و توان کشور به جای قرار گرفتن در پشتیبانی از اهداف و منابع ملی صرف پاسخ‌گویی منفعلانه به عوامل و تبعات ناپایداری‌ها و نارسانی‌های موجود در کلان‌شهرها خواهد شد.

با عنایت به شاخص‌های اقتصادی منطقه کلان شهر مؤثر در قدرت ملی که شامل ارزش افزوده بخش صنعت، ارزش افزوده بخش خدمات، درآمد مالیاتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مقایسه با کل کشور که مورد بررسی قرار گرفت چنین نتیجه می‌گیریم که: در مورد سهم فعالیت‌های مختلف اقتصادی و جایگاه آن‌ها در اقتصاد ملی و اقتصاد تهران می‌توان گفت که تفاوت‌های اساسی بین ساختار اقتصاد تهران و اقتصاد ملی وجود دارد، از جمله اینکه سهم بخش معدن و بخش کشاورزی در اقتصاد ملی بسیار قابل توجه است. این در حالی است که فعالیت‌های مرتبط با این دو بخش در اقتصاد تهران سهم ناچیزی را به خود اختصاص داده‌اند و فعالیت‌های مرتبط با صنعت و فعالیت‌های مرتبط با خدمات جای این دو را در پنج عده فعالیت اقتصادی کشور از آن خود کرده است. بهمین دلیل، حوزه نفوذ و جایگاه منطقه کلان شهر تهران تا جایی گسترش یافته که هر گونه اتخاذ تصمیم و عملکردی در سطح ملی را تحت تأثیر خود قرار داده است. وجود این انحصارات جایگاه و ویژگی خاصی در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران به منطقه کلان شهر تهران به عنوان محل استقرار دولت و بدنی اصلی و اساسی آن در مقایسه با سایر مناطق کشور می‌بخشد. موارد مذکور بیانگر برآورده نشدن خواسته‌ها و انتظارات ملت و کشور می‌باشد که در نهایت تأثیرات منفی تمرکز در منطقه کلان شهر تهران را در قدرت ملی بیان می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. اعظمی، هادی(۱۳۸۳) **الگویابی نظام قدرت در آفریقا**، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظنیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ص ۴۴
۲. اکبریان، رضا، علی قائدی و رضا وهام (۱۳۸۶) **بررسی رابطه آزاد سازی تجاري و درآمد مالياتي در ايران**، فصلنامه بررسی اقتصادي، دوره ۴، شماره ۳، ص ۱۵
۳. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱) **جغرافیای سیاسي ایران**، تهران: سمت، ص ۲۸۲
۴. حافظنیا، محمدرضا، زهرا احمدی پور و مرجان بدیعی (۱۳۸۲) **تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران**. نشریه علوم جغرافیایی. دانشگاه تربیت معلم، ص ۵۸
۵. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۶) **قدرت و منافع ملی مبانی، مفاهیم و روش‌های سنجش**، تهران: نشر انتخاب، ص ۴۶
۶. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹) **مبانی مطالعات سیاسي- اجتماعی**؛ جلد اول. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور. ص ۲۴۶
۷. قالیباف، محمدباقر، (۱۳۸۴) **درآمدی بر چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در قرن ۲۱ با تأکید بر تمرکز اقتصادی در کلان‌شهر ملی**، دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، ص ۱۴۱
۸. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱) **تهران ظهور یک کلان‌شهر**، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ص ۴۰
۹. میرحیدر، دره (۱۳۸۵) **مبانی جغرافیای سیاسي**، تهران: سمت، ص ۱۴۸
۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) **گزیده نتایج سرشماری ۱۳۸۵ استان تهران**
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۸) **آمارنامه شهر تهران**، ۱۳۸۵
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۸) **آمارنامه استان تهران**، ۱۳۸۵
۱۳. مرکز آمار ایران(۱۳۸۵) **جداول حساب‌های ملی ایران (حساب‌های منطقه‌ای)**
۱۴. سازمان امور اقتصادي و دارایی استان تهران (۱۳۸۸)، **بررسی ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادي استان تهران در مقایسه با کل کشور طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۵** ، معاونت اقتصادي
۱۵. بانک مرکزی، مفاهیم، تعاریف و روش‌ها، <http://www.cbi.ir/simplelist/4509.aspx>
۱۶. نظریان، اصغر (۱۳۸۸) **پویایی نظام شهری**، تهران، انتشارات مبتکران، ص ۲۰۹
۱۷. فکوهی، ناصر(۱۳۸۳) **انسان‌شناسی شهری**، تهران، نشر نی، ص ۱۲۱-۱۲۴

۱۸. عربی، نادر (۱۳۸۹) بررسی اجمالی ویژگی‌های بازار مسکن تهران (۱۳۸۰-۱۳۸۸)، فصلنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع‌رسانی اقتصاد شهر، سال اول، شماره چهارم، ۲۰
۱۹. نجارزاده، رضا و زارع، حمیدضا (۱۳۸۵) برآورد کیش وقفه درآمد مالیاتی شرکت‌ها در استان تهران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره سوم، ص ۲۵
۲۰. هیئت وزیران(الف) (۱۳۸۳) متن اصلاحیه کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه شهری تهران.
۲۱. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰) با شهر و منطقه در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران

Ashley J. Tellis & Others. (2000) *Measuring National Power in the Postindustrial Age*. Rond: New York, 2000, 12

<http://www.cbi.ir/simplelist/4509.aspx>